

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.268633.1456>

Reflecting the Wars between Iran and Russia in the region, considering the role of Armenians

Abstract:

The secession of large parts of the Caucasus as a catastrophic result of the Iran-Russia wars not only affected the country's independence and territorial integrity, but its consequences on the northern and northwestern borders and even other parts of the country are significant. Meanwhile, the role of Armenians as a significant part of the population of the regions separated from Iran, which had a significant impact on the course of the Iran-Russia war, is undeniable. The present article, entitled "Reflection of Iran-Russia wars in the region with regard to the role of Armenians", examines the results of the separation of strategic regions in the north and northwest of the country by considering the role of Armenians. From a religious, ethnic, linguistic, cultural point of view, as well as political, administrative, economic, industrial, commercial, etc. developments and has evaluated and explained the role of these developments in Iran-Russia relations. The method of this research is descriptive-analytical and data analysis is based on the method of content analysis of works including books, articles and poetic writings. The results show that after the Iran-Russia wars and the secession of the Caucasus from Iran, the Russian government is no longer willing to tolerate Georgian and Armenian autonomy as they enjoyed it during Iranian rule. Keywords: Armenians, Iran-Russian Wars, Turkmenchay Treaty, Gilan, Two Sides of Aras

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.268633.1456>

بازتاب جنگهای ایران و روسیه در منطقه با توجه به نقش ارامنه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

جمیله عباسی عزیزلو^۱

محمدعلی علیزاده^۲

محمد طرفداری علی^۳

چکیده:

جدایی بخشهای وسیعی از قفقاز به عنوان نتیجه فاجعه بار جنگهای ایران و روس، نه تنها استقلال و تمامیت ارضی کشور را تحت تأثیر قرار داد بلکه پیامدهای آن در مرزهای کشور قابل اهمیت میباشد. در این میان نقش ارامنه به عنوان بخش قابل توجهی از جمعیت این مناطق، انکارناپذیر میباشد. مقاله حاضر، نتایج جدایی مناطق استراتژیک شمال و شمال غربی کشور را با در نظر گرفتن نقش ارامنه بررسی کرده و به نکاتی چون تغییر ترکیب جمعیتی نواحی دو سوی ارس از نظر مذهبی، قومی، زبانی، فرهنگی و نیز تحولات سیاسی، اداری، اقتصادی، صنعتی، تجاری و... پرداخته و نقش این تحولات در مناسبات ایران و روس را ارزیابی و تشریح کرده است. روش این تحقیق توصیفی است. تحلیل داده ها بر مبنای روش تحلیل محتوای آثار شامل کتب و مقالات تاریخی میباشد. نتایج عملکرد دولت روسیه پس از جنگ و جدایی قفقاز از ایران، از وضعیت نابسامان ارامنه مهاجر در روسیه و سختگیری های مذهبی نسبت به کلیسای ارامنه (گریگوری) حکایت داشته و نشان می دهد دولت روسیه حاضر به تحمل خودمختاری گرجیان و ارامنه، به همان شکل که در زمان حاکمیت ایران از آن برخوردار بودند، نمیشد.

واژه های کلیدی: ارامنه، جنگهای ایران و روس، عهدنامه ترکمانچای، گیلان، دو سوی ارس.

^۱ دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت حیدریه، خراسان رضوی، ایران

^۲ گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(نویسنده مسئول) dr_Lzdh@yahoo.com

^۳ استادیار تاریخ، عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

جنگهای ایران و روسیه، به دو جنگ بزرگ بین ایران و روسیه تزاری در یک دوره بیست و پنج ساله در زمان پادشاهی فتحعلیشاه قاجار گفته می شود. این جنگها با شکست ایران از روسیه پایان یافت و در نتیجه آن بخشی اعظم قفقاز به قلمرو روسیه پیوست. بهانه آغاز جنگ (۱۲۱۸ه.ق. ۱۸۰۳م.)، الحاق گرجستان به روسیه بود، زیرا چهار سال بعد از مرگ آقامحمدخان قاجار، گئورگی (گرگین خان) حاکم گرجستان، دوباره رسماً تحت‌الحمایگی روسها را پذیرفت. فتحعلی‌شاه که از الحاق گرجستان به روسیه ناراحت بود، با پناهنده شدن شاهزادگان گرجستانی به دربار ایران، فرمان حمله به گرجستان را صادر کرد. پیامد دو دوره جنگهای ایران و روسیه در زمان فتحعلیشاه، انعقاد دو عهدنامه ننگین گلستان و ترکمانچای و نتیجه اسفناک آن از دست رفتن مناطق وسیعی از قفقاز در نقشه ایران بود. جابجایی، مهاجرت و یا اسکان اجباری مردمان مناطق دو سوی ارس؛ به مقتضای شرایط جنگ و پیروزی یا شکست یکی از طرفین نبرد و یا خیانت یا تمایلات آنان، امری اجتناب‌ناپذیر بود. تحقیق پیش رو پیامدهای الحاق سرزمین‌های مورد نظر به روسیه و جابجایی جمعیت را با توجه به نقش آرامنه به عنوان قومی که گرایش آنان به روسیه در طی این نبردها محرز و آشکار بود، بررسی و به بیان و شرح نتایج جدایی این سرزمین‌ها می پردازد.

این مقاله، بازتاب از دست رفتن قفقاز را در زمینه‌های پیش رو بررسی و ارزیابی می نماید: ترویج فرهنگ و زبان روسی، تغییرات ساختاری در نوع حکومت، اختلافات قومی و جمعیتی، رشد جریان‌های روشنفکری و ناسیونالیستی در میان آرامنه، توسعه مناسبات تجاری دو سوی ارس تحت تأثیر موقعیت مناسب سواحل گیلان و فعالیت تجار ارمنی، گسترش مناسبات اقتصادی تحت تأثیر رشد صنعتی قفقاز و شکل‌گیری پدیده مهاجرت کارگری و گسترش راه‌های مواصلاتی و پیشرفت زراعت و... تغییرات ساختاری در مناسبات سیاسی ایران با قفقاز، مهاجرت ساکنین قفقاز به ایران، شکل‌گیری روحیه بیگانه‌ستیزی در میان ایرانیان نواحی همجوار.

۱-۱- بیان مسئله:

اهمیت منطقه مورد منازعه ایران روس، یعنی قفقاز، نه تنها در حاصلخیزی و رونق مراتع آن در دامنه کوه‌ها، بلکه به سبب موقعیت ترانزیتی آن در سواحل شرقی دریای سیاه بود، به علاوه آرامنه به عنوان بخش اعظمی از ساکنان این منطقه حساس، در طول تاریخ سیاسی خود تحت تأثیر رقابت کشورهای منطقه بوده و مهاجرت‌های اجباری فراوانی داشته‌اند و جمعیتشان در قفقاز و فلات ارمنستان و سایر سرزمین‌های اطراف پراکنده شد. در این میان فرهنگ و قوم و دین و زبان آنان نیز به چالش کشیده شد. هرچند آرامنه با مردمان مسلمان همجوار خود همزیستی مسالمت‌آمیزی برقرار کردند، اما حاکمان محلی و کشیشان ارمنی گرجستان و قفقاز در آغاز قرون معاصر حکومت روسیه تزاری به تحت‌الحمایگی این دولت متمایل بودند. به این ترتیب نقش آرامنه که در طی سالیان متوالی، تمایل به کسب خودمختاری داشتند، از جهت انگیزه، عملکرد و پیامد، در نتایج جنگهای این منطقه قابل توجه است.

هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا استقرار حاکمیت سیاسی روسیه بر قفقاز، گسست کامل فرهنگی آرامنه و سایر مردمان دو سوی ارس را به همراه داشت؟ در این میان نقش تجار

ارمنی، در تثبیت موقعیت سیاسی روسیه بر قفقاز را چگونه می توان ارزیابی نمود؟ آیا می توان میان اندیشه های آزادیخواهانه و قانونگرایانه اواخر دوره قاجار با مبارزات مذهبی و شورش های دهقانی و کارگری ارامنه در آنسوی ارس، بویژه در تفلیس و باکو، بعد از استقرار حاکمیت روسیه؛ ارتباط معناداری برقرار کرد؟

فرضیه این پژوهش بر این اساس است که ایجاد تغییرات سیاسی و اداری، با توجه به ریشه های فرهنگی و قومی و زبانی و مذهبی پر قدرتی که در تاریخ مشترک ساکنان دو سوی ارس، بویژه در مناطق نزدیک به مرزهای ایران، همچون آذربایجان و ایروان، نهفته است؛ از توان برهم زدن این تعادل فرهنگی، دست کم در کوتاه مدت، برخوردار نمیشد. از طرفی جذابیت تجارت پر سود با روسیه که از امنیت اقتصادی بیشتری نسبت به ایران برخوردار بود، برای تجار ارمنی، موضوعی است که نمی توان نادیده انگاشت. چرا که نفوذ سیاسی روسیه نیز در میان این قشر که خود از عوامل رشد و رفاه اقتصادی جامعه ارمنی، محسوب می شد، قطعاً می توانست به تثبیت موقعیت سیاسی روسیه بر مناطق جدا شده از ایران، بیانجامد. به علاوه تحولات فکری و محافل علمی مبارزان ارمنی مخالف سلطه سیاسی روسیه، در جلب و جذب مهاجران ایرانی، بخصوص ترک زبانان آذربایجان، که با انگیزه امرار معاش به راهی قفقاز می شدند، نقش به سزایی داشته و آنان نیز در بازگشت به ایران، سهم مؤثری در ترویج افکار روشنفکری و آزادیخواهی که از زمینه های بارز انقلاب مشروطیت به حساب می آید، داشته اند.

۱-۲-پیشینه پژوهش:

از یافته های جدید و قابل ذکر در این باره می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. زرینی (حسین) و زرگری نژاد (غلامحسین)، در مقاله «ناهمگونی دینی؛ زمینه سازی برای جدایی قفقاز از ایران»، به این موضوع می پردازند که در خلأ قدرت پس از حکومت صفویه درست در همان زمان که روسیه عصر اقتدار خود را آغاز می کرد، ناهمگونی دینی اتباع گرجی و ارمنی ایران و کوشش دولت مسیحی قدرتمند روسیه تزاری به یکی از عوامل زمینه ساز جدایی طلبی مسیحیان قفقاز از ایران تبدیل شد. البته ساکنان قفقاز با جدایی از ایران درصدد الحاق به روسیه نبودند، اما روند حوادث به این امر انجامید.

ب. مزینانی (سید علی) و گلجان (مهدی)، در مقاله «نقش نخبگان جامعه ارامنه ایران در سلطه یافتن روسیه بر قفقاز، ۱۸۲۸م-۱۶۶۰م»، به تشریح فرآیندی که نخبگان ارامنه ایران طی آن کوشیدند پای امپراتوری روسیه را به قفقاز باز کنند، پرداخته اند. یافته های این بررسی نشان می دهد که جناح عمده اشرافیت ارمنی یعنی رهبران کلیسا، ملیکها، و تجار برجسته، به ترتیب، بیشترین اهمیت را در تعیین وفاداری سیاسی ارامنه قفقاز داشتند.

ج. رضوی پیرانشاهی (سید عباس علی)، در مقاله «پیامدهای اجتماعی و سیاسی نفوذ روسیه در سرزمین های شمالی ایران (میانة قرن های ۱۹ و ۲۰ میلادی)»، به سرزمین های جدا شده از ایران، به عنوان اصلی ترین مستعمرات روسیه و نفوذ اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روسیه در این مناطق، نگاهی دقیق

انداخته است و پیامدهای منفی و مثبت این موضوع را همچون: تبدیل گیلان به دروازه ایران با روسیه و به تبع آن اروپا، مهاجرت اتباع ایرانی به روسیه و برعکس، گسترش اندیشه‌های آزادی‌خواهی در ایران مورد بررسی قرار داده است.

از منابع قابل ذکر در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. خداوردیان و دیگران، در جلد دوم کتاب تاریخ ارمنستان (چاپ ۱۳۶۰)، وضعیت ارامنه را از ابتدای سده نوزدهم تا پایان دوره ارمنستان شوروی (کمونیستی) تا سال ۱۹۷۰ شرح می‌دهد و اطلاعات ارزشمندی از زندگی فرهنگی و سیاسی و اجتماعی ارامنه در ادوار مختلف تاریخی در اختیارمان قرار می‌دهد که می‌تواند در ریشه‌یابی نقش ارامنه در بازتاب جنگ‌های ایران و روس مفید باشد.

ب. دنبلی (عبدالرزاق)، متخلص به مفتون، در کتاب مآثرسلطانیه (چاپ ۱۳۸۳)، که به دلیل حضور خود در جنگ‌های دوره اول ایران و روس، در دارالسلطنه تبریز، از نزدیک شاهد حوادث قفقاز و آذربایجان بود، روایت مستقیم و دست اولی از جنگ‌های این دوره فراهم آورد. تصحیح متن مآثرسلطانیه بر اساس همان نخستین چاپ کتاب انجام شده است. مصحح (غلامحسین زرگری نژاد)، گزارش جنگ‌های مرحله دوم را از نوشته خاوری شیرازی، مؤلف تاریخ خطی ذوالقرنین نیز به این کتاب ضمیمه کرده است. به این ترتیب کتاب تاریخ کاملی است از دو مرحله جنگ‌های ایران و روسیه.

ج. نفیسی (سعید)، در کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (چاپ ۱۳۸۳)، در دو جلد، به ریشه‌یابی رویدادهای تاریخ قاجاریه از آغاز تا پایان دوره فتحعلی‌شاه، پرداخته است و از نظر روابط خارجی ایران با همسایه شمالی یعنی روسیه و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این رابطه اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۲- مبانی نظری:

۲-۱- روسی سازی مناطق جدا شده از ایران (ترویج فرهنگ و زبان روسی):

در اعلامیه پترکبیر خطاب به مردم ارمنی در ۳ ژوئن ۱۷۲۳ / ۲۸ شعبان ۱۱۳۵، چنین آمده است: «ما هم اکنون گیلان را گرفته‌ایم و ارتش ما در باکو گام می‌زند. با کمک خداوند به زودی قادر خواهیم شد به ارامنه کمک نماییم و آنان را نجات دهیم. اگر به دلایلی آنان نتوانند از خویش دفاع کنند و یا نیروهای ما به سرزمین‌های آنان نرسند، از ایشان دعوت می‌کنیم که به شهرهای سواحل خزر که در کنترل ما هستند بیایند. ما توصیه می‌کنیم تا آن زمان که قادر به مداخله باشیم، ساکت بمانند. این اعلامیه باید آنان را نسبت به مقاصد ما مطمئن کند. بیان این اعلامیه عمداً مبهم است تا اگر به دست دیگران بیفتد، ارامنه رنج نبرند» (بورنوتیان، ۲۰۰۳: ۱۱۵). تقریباً نیم قرن، از سال ۱۱۶۰ ه.ق. / ۱۷۴۷ م. تا ۱۲۱۲ ه.ق. / ۱۷۹۸ م.، آراکلیسی دوم در مقام مقتدرترین فرمانروای جنوب قفقاز فرصت یافت تا در جهت احیای قدرت گرجستان و پی ریزی شالوده یک پادشاهی بزرگ کوشش کند. وی حتی پا از حفظ استقلال و تمامیت ارضی گرجستان فراتر

نهاد و کاترین و مشاوران وی را به حمایت از ادعای خود بر گنجه و ایروان فراخواند(جی ووُسدو، ۲۰۰۰: ۵۳و۵۲).

با وجود آن که در سال ۱۲۱۶ه.ق. ۱۸۰۱م. همزمان با آغاز سلطنت تزار الکساندر اول، با تصرف گرجستان شرقی تمام خاندان حکومتگر آن را به روسیه تبعید شدند، اما هنوز بخش اعظم آرامنه تمایل به جانب روسیه داشت.

تزار الکساندر اول در سال ۱۲۱۸ه.ق. ۱۸۰۳م.، تغییر سیاست‌های قفقاز امپراتوری را به شاهزاده سیسیانوف گرجی الاصل ابلاغ کرد. در سیاست‌های جدید تزار جذب آرامنه شده و در صدر آنها کاتولیکوس "دانیل سورماری" را قویاً به سیسیانوف توصیه کرد(اسدوف، ۱۳۸۰: ۲۸).

ژنرال سیسیانوف در ابتدا می پنداشت آرامنه به راحتی حاضر به همکاری می شوند. حدس او درباره آرامنه گنجه و قریلباغ صحیح بود اما اقدامات دربار قاجار، ایروان را از حوزه نفوذ ژنرال خارج کرد. انتصاب حسین خان سردار ایروانی به حاکمیت ایروان از سوی فتحعلیشاه قاجار و عباس میرزا به عنوان فرمانده کل جبهه ایران در قفقاز موجب شد تا تصرف ایروان بیست و پنج سال به تأخیر بیفتد(همان: ۳۴).

قرار گرفتن امور اوچمیادزین در دست سراسقف نرسس آشتاراکی موجب شد، تحولاتی که با تلاش حسین خان سردار در حکومت ایروان واقع شده بود، نادیده گرفته شوند. نرسس آشتاراکی اسقف آرامنه تغلیس بود، در دور دوم جنگ‌ها، آشتاراکی را گاریبالدی رداپوش خواندند(مزینانی، ۱۳۹۴: ۲۲۷) و «می‌دیدند که شبها در کنار پاسکوویچ بود و در چادر او می خوابید و روزها صلیب به دست در پیشاپیش سپاهیان او حرکت می‌کرد»(پاسدرماجیان، ۱۳۶۶: ۳۷۴).

آشتاراکی در فراخوانی آرامنه را چنین خطاب قرار می دهد: «... از این که برای قرون متمادی ملت ما تحت سلطه بیگانگان بوده و... آگاه هستید...»

از اهداف دولت کبیر روسیه نیز باخبرید، اهدافی که برای حفظ ایمان و کلیسای ما بنا شده و نه مطامع آن دولت. شاهدان این مدعا آن دسته از کلیساها و دیرهای گرجستان هستند که تحت حمایت دولت روسیه قرار گرفته اند.

قدرت روسیه آماده دفاع از مسیحیان و کلیسای ایشان در برابر ایرانیان است. قدرتی که ما را از دست آنان که ... رها خواهد ساخت».

ژنرال سیسیانوف و نرسس آشتاراکی جهت جدیدی به تلاش‌های روسیه برای سلطه یافتن بر قفقاز دادند، این مسیر نوین عبارت بود از روسی سازی منطقه؛ روسی سازی به معنای ترویج فرهنگ و زبان روسی در مناطقی که به اشغال روسیه در می آمدند(مزینانی، ۱۳۹۴: ۲۲۷ و ۲۲۸).

فرماندهی ارشد روسیه در دور دوم نبردهای ایران و روسیه، ژنرال پاسکوویچ، از کودکی با آرامنه آشنا بود. ژنرال به همراه سرکیس معلم کودکی پاسکوویچ، و اسقف نرسس آشتاراکی، دست به تشکیل کمیته

مهاجرت برای افزودن بر جمعیت ارمنی قفقاز زد؛ کمیته ای که در همان دوره دوم جنگ‌های ایران و روس توانست حدود چهارده هزار ارمنی را از عثمانی و ایران به قفقاز ببرد (اسدوف، ۱۳۸۰: ۴۹).

وفاداری ارمنه قرلباغ به ایران هم کاملاً از دست رفته بود و با اینکه در دور اول جنگ‌های ایران و روس عباس میرزا سعی کرده بود با انتقال اهالی قرلباغ به ارسباران (قراجه داغ) از مقاومت منفی ارمنه منطقه بکاهد (دنبلی ۱۳۸۳. صفحه ۲۴۹ و ۲۵۰)؛ اما ثابت قدمی قرلباغ در جانبداری از روسیه، در دور دوم نبردهای ایران و روس مشهود بود. نام ارمنه بسیاری در فهرست ارتش روسیه به چشم می خورد که مهمترین ایشان ژنرال ببودوف از ارمنه تغلیس و ژنرال ماداتوف، فاتح گنجه، از ارمنه قرلباغ بودند (مزینانی، ۱۳۹۴: ۲۲۹).

استراتژی روسی در سال‌های پس از جنگ به صورت گسترده در سراسر قفقاز، به ویژه نواحی مسلمان نشین؛ به صورت تغییر ساختار اداری، تأسیس مهاجرنشین های روسی، جلب دوستی و همکاری با بزرگان دینی و سیاسی، جذب نخبگان، به کارگیری سیاست‌های فرهنگی هم چون تأسیس مدارس، تحریف تاریخ، اسلام ستیزی، ایجاد و دامن زدن به اختلافات بین اقوام مختلف و... پیاده شد (ستایش، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

۲-۲- ایجاد تغییرات ساختاری در نوع حکومت سرزمین های جدا شده از ایران با هدف تحکیم سلطه روسیه بر قفقاز:

روسیه تزاری در منطقه اشغالی خود به تدریج سیستم‌های حکومتی پیشین را از بین برد و به همین دلیل در بدو امر، در تقسیمات سیاسی پیشین و همچنین نظام اداری و محاکم قضایی سابق تغییرات اساسی ایجاد نکرد و فقط یک حاکمیت نظامی-سیاسی مرکزی در قفقاز به وجود آورد که حاکمان نواحی مختلف تابع این حاکمیت بودند. روسها در این دوره با جذب صاحبان اقتدار محلی و باقی گذاشتن آنها در رأس سیستم اداری این نواحی، تلاش کردند تا با استفاده از نفوذ آنها به انجام اصلاحات دست زنند.

تزار الکساندر اول ستمی به عنوان فرمانده نیروهای قفقاز روسیه و والی کل قفقاز تعیین کرد که این اصلاحات را به اجرا گذارد. در این میان تغلیس از همان روزهای اول تسخیر، همواره مرکز نظامی و اداری در جهت دستیابی به سایر نواحی قرار گرفت.

در ساختار و شیوه حکومتی خانلیق ها نیز اصلاحات اندک و محدودی پدید آمد و مواردی چون انحلال خانان از جمله در گنجه و باکو، کاملاً استثنایی بود.

با تحکیم پایه های تسلط روسیه بر قفقاز، نیاز به سیستم جدید اداری-سیاسی و بر ناکارآمدی سیستم های پیشین و لزوم ایجاد تغییرات اساسی در سیستم اداری ۱۲۱۶ه.ق. ۱/۱۸۰م. تأکید شده بود.

مطابق با این سیستم اداری جدید و اصلاحات جدید سیاسی و اداری ناشی از آن، قفقاز جنوبی به دو گوبرنیا تقسیم شد که عبارت بودند از گوبرنیا "گرچی-ایمرتی" یا گوبرنیا غربی به مرکزیت تغلیس، و گوبرنیا کاسپی یا گوبرنیا شرقی در منطقه ساحلی مازندران و قرلباغ به مرکزیت شماخی. علاوه بر این به منظور انضمام کامل منطقه، کوشش‌هایی برای مصادره زمین ها و بیرون راندن ساکنان اصلی به نفع اسکان یافتگان روس در دهکده ها صورت گرفت که در تضعیف قدرت خان های محلی کمک شایانی می نمود (ستایش، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۲).

روسها پس از جنگهای دور دوم با ایران، دهکده هایی برای اسکان دهقانان روس ایجاد کردند. کسانی که در این مهاجر نشین ها اسکان یافتند به بیرون راندن جمعیت بومی کمک کردند و این امر به تثبیت فتوحات نظامی و بازگشت ناپذیری آن انجامید و اراضی تصرف شده جزئی از امپراتوری روسیه شد (گامر، ۱۳۷۷: ۲۴).

۲-۳- سیاست همسایگی ایران با آرامنه در قفقاز:

آرامنه با قرار گرفتن در زیر سلطه روسیه تزاری، همچنان تحت ستم های ملی و استثمار اجتماعی قرار داشتند. دولت تزار به عنوان ارگان دولتی زمینداران، به بهره کشی از آنان می پرداخت. آرامنه بارها علیه تزارها سلاح برداشتند، اما با این همه، الحاق ارمنستان به روسیه در آن شرایط تنها راه چاره برای ایجاد امکاناتی در زمینه ترقی زندگی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بود (خداوردیان، ۱۳۶۰: ۳۳۳).

دولت روسیه تدریجاً نوعی مبارزه ضد ارمنی را آغاز کرد، تلاش و پیگیری به منظور برکناری ارمنیان از مشاغل نظامی و شخصی صورت گرفت و به آنها اجازه داده شد که فقط به کار ساده زراعت ادامه دهند.

گروه ها و انجمن های انقلابی ارمنی که در قرن نوزدهم در خاک روسیه تشکیل شدند جزء مهمی از نهضت انقلابی ارمنیان بودند. از جمله مبلغین پیشرو انقلابی ارمنی می توان نویسندگانی را نام برد که تحت رژیم تزاری به سر می بردند (پادماگریان، ۱۳۵۲: ۲۲۲).

در واقع حضور طبقه روشنفکر در ساختار طبقاتی و اجتماعی دو منطقه ایران و قفقاز در قرن نوزدهم را می توان یکی از پیامدهای مشترک جنگهای روس با ایران به حساب آورد. در این زمان روسیه نماینده تمدن غرب محسوب می شد و الحاق سرزمین هایی چون گرجستان، آذربایجان و ارمنستان، موجب آشنایی مردمان آن با تفکرات دموکراتیک جدید گردید.

علل اصلی ظهور طبقه روشنفکر روسیه، ورود افراد بومی در ساختار کشوری و لشکری روسها و حضور در مدارس نوینی بود که از قبل سیاست های روسی سازی، برای مبارزه با سبک سنتی و نظام آموزشی و فرهنگ بومی مناطق ساخته شده بود. قشر جدید تحصیل کردگان در قفقاز به همراه جریان روشنفکری که از تقلیس برخاسته بود، در آینده سیاسی و فرهنگی قفقاز نقش مهمی ایفا نمود و توانست با ایجاد مسیرهایی برای انتقال دست آوردهای خود به ایران و بالعکس مفید واقع شود. روسیه با تغییر سیستم اداری و یکپارچگی سیاسی و اقتصادی، ناخواسته حرکت آذربایجان و سایر نواحی را به سمت ناسیونالیسم گسترش داد (ستایش، ۱۳۹۲: ۱۵۳ و ۱۵۴).

۳- یافته ها:

۳-۱- توسعه مناسبات تجاری ایران و روسیه و نقش آرامنه دو سوی ارس در این رابطه:

روسیه در نتیجه موفقیت در جنگهای دوره دوم با ایران، از طریق قبول خسارت نسبتاً کم ولی با شرایط بسیار مناسب، پیمان ترکمانچای را به ایران تحمیل کرد و تجارت روسیه را از طرف تجار کشورش در ایران توسعه داد و در مقام اول تجارت با ایران قرار گرفت (سنایی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

در توسعه مناسبات تجاری ایران و روسیه، دو محور اساسی را نباید از نظر دور داشت: یکی موقعیت مناسب سواحل گیلان و دیگری نقش ارامنه و مهاجران روسی و ایرانی در دو سوی ارس.

الف. نقش موقعیت مناسب سواحل گیلان در توسعه مناسبات تجاری ایران و روسیه:

در پیوند با موضوع گسترش مناسبات تجاری ایران و روسیه بعد از جنگهای این دو کشور می توان به یادداشت های شخصی گوریف وزیر دارایی روسیه اشاره کرد: «... با الحاق ماوراء قفقاز به روسیه، ارتباط عثمانی با سلسله جبال قفقاز قطع و روسیه از نظر موقعیت عملی و استحفاظی نظامی در شرایط بسیار عالی نظامی قرار می گرفت» (زارع شاه مرسی ۱۳۸۹: ۱۸۸ به نقل از: "عشقی" ۱۳۵۳: ۳۰).

در زمان مورد بحث ما با آن امکانات محدود حمل و نقل و بازارها و انبارها و...، گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی بسیار حائز اهمیت بود و از یک طرف به بندر انزلی و از طرف دیگر به قزوین و مازندران و "پیربازار" و تبریز و عمده بازارهای ایران در ارتباط و به روسیه و دیگر مناطق ایران، نزدیک بود.

پس از احداث جاده انزلی به تهران، گیلان تبدیل شد به مهمترین راه عبور و مرور مرکز ایران با دروازه های اروپا و نقشی اساسی در تبادل فرهنگی با روسیه و اروپا ایفا می کرد. با وجود این راه، بعضی دولت ها دست به تأسیس کنسولگری زدند. تجار و معامله گر های ایرانی، روسی، ارمنی و یونانی از هر طرف جمع شده و بازار برپا می داشتند (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۶: ۲۰۵ و ۲۰۶). «عبور از کوههای خزر همه جا با دشواری صورت می گیرد، بهترین گذرگاه در این کوهها راهی است که از رشت به قزوین می رسد و هم اکنون محل تردد کاروان هاست» (خودزکو، ۱۳۹۶: ۵۸).

ب. نقش مهاجران روسی و ایرانی و ارامنه گیلان در تجارت بین ایران و روس:

ارامنه به دلیل داشتن ریشه های تاریخی در ایران و روسیه، به ویژه ارامنه قفقاز در معادلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین دو کشور نقش مهمی ایفا می کردند. شاه عباس اول صفوی، تعدادی از ارامنه قفقاز را برای تولید و تجارت ابریشم در گیلان اسکان داد. از زمانی که ابریشم گیلان مورد توجه قرار گرفت اقوام متعددی از جمله ارامنه در تولید و تجارت آن فعال شدند (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۶: ۲۰۶). دالمانی که در اواخر دوره قاجار از ایران دیدن کرده است در سفر نامه خود چنین آورده است «چند سالی است که تجار ارمنی در تمام ایالات مشغول خرید مواد خام از قبیل پنبه و پشم و ابریشم و میوه های خشک از قبیل بادام و پسته و فندق و قیسی و کشمش هستند و آنها را از طریق روسیه یا با کشتی های تجاری انگلیسی که در خلیج فارس رفت و آمد می کنند به اروپا می فرستند و در عوض مال التجاره های اروپایی را به ایران وارد می کنند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۶).

در فصول مختلف کارگران مختلفی از ایران به روسیه می رفتند و یا از روسیه کارگران و استادکاران و مهندسی روسی به طور مستقل و یا از طرف شرکت ها و مؤسسات تجاری یا صنعتی، از جمله صنعت چوب، به ویژه صیادان ماهی و خاویار، در فصل زمستان به ایران (گیلان) می آمدند. دهقانان فقیر شده، پیشه وران و افراد سایر طبقات مردم ایران، سال به سال به طور دسته جمعی به بنادر مازندران و شهرهای ناحیه

ولگا، روی می آورند. مراکز تولید و تجارت روسیه با پرداخت حداقل دستمزد، از آنها بهره مند می شدند (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

۲-۳- شکل گیری تحولات اساسی در مناسبات اقتصادی قفقاز:

تحولات اساسی در روابط اقتصادی مابین مردمان دو منطقه حاصل پیامدهای سلطه روسیه بود که در بخشهای صنایع نفت باکو، کارگران مهاجر، راه های ارتباطی، تجارت و کشاورزی مورد بررسی قرار می گیرد.

الف. رشد صنعتی قفقاز و شکل گیری پدیده مهاجرت کارگری:

مهمترین نتیجه اقتصادی سلطه روسیه بر قفقاز، شکل گیری صنعت نفت بود «اینجا [باکو] بندری در یک خلیج کوچک کناره غربی دریای خزر بود. ... گفتند که در فاصله ۱۶ میل انگلیسی اینجا یک میدان نفتی است. نفت کالای تجاری عمده این بندر است که بیشتر آن به ایران صادر می شود» (فوروکاوا ۱۳۸۴: ۲۸۶).

سایر بخش های اقتصادی قفقاز، مخصوصاً بخش تجارت و حمل و نقل قفقاز، تحت تأثیر نفت و صنایع وابسته به آن بودند. رشد سریع صنعت نفت و صنایع دیگر و توسعه و بهره برداری از معادن مختلف در منطقه قفقاز به نیروی کار متخصص و غیرمتخصص زیادی نیاز داشت که جمعیت بومی پاسخگویی آن نبود. بنابراین به نیروی کار غیرمحللی نیاز شد. از طرفی گسترش فقر عمومی و تنگدستی جمعیت ایران که اغلب در بخش کشاورزی اشتغال داشتند، به دلیل افول و فروپاشی اقتصاد سنتی ایران در برابر نظام سرمایه داری از جاذبه های مهم حرکت بخش قابل توجهی از نیروی کار ایران، بخصوص از آذربایجان، به سمت قفقاز شد (یزدانی، ۱۳۷۱: ۱۹).

اهمیت تغییرات فکری و فرهنگی منطقه قفقاز و نواحی اطراف آن، همزمان با پیشرفت صنعت نفت را باید در روی کار آمدن جنبش های کارگری و احزاب وابسته به آن در صحنه اجتماعی مردم قفقاز و تأثیر آن بر افکار و بینش مهاجران ایرانی به خصوص در آذربایجان و شمال ایران چون گیلان، دانست. گذشته از آن، نیروی کار مهاجر در قفقاز، علی رغم کمی دستمزد و شرایط سخت کاری هر ساله میلیون ها روبل یا منات وارد ایران می کردند (شاکری ۱۳۸۴: ۱۲۵).

ب. گسترش راه های مواصلاتی و پیشرفت بازرگانی و زراعت:

روسها بسیار امیدوار بودند تا بوسیله توان مواصلاتی قفقاز منسوجات و سایر کالاهای خود را به ایران، عثمانی و سایر نواحی آسیای غربی ارسال کنند. اهمیت این موضوع پس از اکتشافات نفتی بیشتر شد، حتی در نیمه اول قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی)، برای تاجر ایرانی خرید کالاهای روسی از بازار عثمانی ارزان تر و راحت تر از باکو بود.

با توجه به "شرایط محصور کوهستانی منطقه قفقاز"، توسعه کشتی رانی و راه آهن بیشتر از راههای زمینی مورد توجه روسها قرار گرفت. بر این اساس حمل و نقل نفت با تانکرها در دریای مازندران برای

اولین بار شروع شد و شرکت های کشتیرانی مختلفی در باکو و سایر بنادر دایر گردید. بیشترین نقش در جهت ارتباط قفقاز با جهان خارج را، راه های آبی منطقه ایفا کردند (ستایش، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

راههای زمینی نیز در مسیر توسعه روسیه مورد توجه قرار گرفت. راه زمینی، قفقاز را از طریق راه آهن با دنیای پیرامون خود مرتبط می کرد. در اواخر سال ۱۲۸۹ ه. ق. / ۱۸۷۲ م. در قفقاز جنوبی، با تلاش روسیه، راه آهن تفلیس-پوتنی ساخته شد. «... در این مسیر جز الیزابت پُل جای آباد و پررونقی ندیدیم، اما ... در راهسازی و راهداری کوششی می کردند، و بر رودهای کوچک هم پل زده بودند...» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۹۲).

راه قزوین به انزلی و تهران به همدان که هر دو از لحاظ تجارت روسیه با ایران برای آن کشور ضرورت داشت، به وسیله شرکت های روسی ساخته شد و وصول عوارض راهداری و نظارت بر عبور و مرور در این جاده ها در دست روس ها بود (شمیم، ۱۳۷۰: ۲۸۷).

بازرگانی و زراعت:

در نیمه دوم قرن نوزدهم یعنی از زمانی که حاکمان جدید تا حدودی قدرت خود را تثبیت کرده بودند، می توان از بهره وری توتون و پرورش تاکستانها، توسعه اقتصاد ابریشم نوخا و تبدیل آن به صورت مرکز تجاری بین المللی، افزایش تقاضای پنبه، افزایش بهره وری از معادن به صورت تأمین کننده عمده نیاز بازار روسیه، بازسازی صنعت قدیم قالیبافی و تجارت صادراتی آن، سخن گفت. لنین در جایی گفته بود: «در چهار منطقه از فرمانداری گنجه یعنی جبرائیل، زنگه زور، شوشی و جوانشیر به هر یک از اهالی ۰/۶ دسیاتین زمین می رسد» (زارع شاه مرسی، ۱۳۸۹: ۲۴۷).

مهم ترین بنادر و شهرهای شمالی ایران که در ارتباط با سیاست تجاری روسیه نسبت به تاریخ گذشته خود رونق گرفت، باید از آستارا، اردبیل، تبریز، تنکابن، مشهد شهر، گرگان و استرآباد، بندر انزلی و غیره نام برد (ستایش، ۱۳۹۲: ۱۳۷). «... پارسال به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد و پنج، به قرار هشتاد و دوهزار پوط آهن از ملک روسیه به آستارا آوردند و گمرک خانه آستارا در اردبیل میباشد. جمیع متاع تجار که از کشتی بیرون می آید سربسته می رود به اردبیل [و] گمرک می شود» (میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵: ۲۱۹).

تجارت گسترده مرزی با روسیه، دست این کشور را برای دخالت در امور داخلی شهرهایی چون اردبیل و رشت از طریق تصاحب منافع اقتصادی معادنی چون نمک در اردبیل و وابستگی حاکمان محلی به روسیه و حتی به بهانه هایی چون حفاظت از امتعه تجار روسی از دست ترکمانان باز گذاشته بود (فرمانفرما، ۱۳۶۲: ۱۷).

در این میان گذشته از نقش بازرگانان ایرانی از حضور تجار یهودی و ارمنی و نقش تاریخی آنها در عرصه تجارت نباید غافل شد «هر ساله هفت هشت کشتی برنج و گندم و جو و عسل و موم و روغن و شیر و گردو و چوب، اهل بادکوبه می آیند به حاکم تعارف می دهند، می خرند و جنس فرنگ را از بزاز اردبیلی و خلخال می آورند، می فروشند...» (میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵: ۲۱۴).

۳-۳- پایان نظام دیوان سالاری و روابط سیاسی ایران با قفقاز در قالب روابط جدید با روسیه:

از دست رفتن تمامیت ارضی ایران در قفقاز و تضعیف نهادهای اداری ایرانی و بومی در این سرزمین را می توان آنی ترین نتیجه جنگهای ایران و روسیه به حساب آورد. از آنجا که مسکن تاریخی طایفه قاجار در آذربایجان و قراباغ بوده است، شاهان قاجار همواره به این مناطق توجه ویژه داشتند «اصل این قبیله اصلیه و... از ولایت ارم شام اند که به تقریبات این جواهر را گنجینه گنجۀ آذربایجان توقف و... و توطن اتفاق افتاد... و طایفه جلیل مقدار قاجار در تهور و دلاوری و شجاعت و سپاهیگری شهرتی تمام داشته و در ایران نامدار و در آذربایجان سرآمد روزگار بودند...» (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۵). با وجود جدایی این مناطق از ایران، نقش قفقازی ها در اداره ایران نه تنها کاهش نیافت بلکه بیشتر شد. در تأیید این موضوع در مورد نامه ارسال تنخواه و بارخانه به اردوی شاهی، در زمان محمد شاه قاجار، از طرف فضلعلی خان قراباغی (حاکم اصفهان) به فرخ خان (امین الدوله کاشی)، در کتاب اسناد خاندان غفاری چنین آمده: به احتمال قوی نامه از فضل علی خان قراباغی است. زیرا در نامه از حساب خسرو خان (خسرو خان گرجی) و "سپاه کوه" نام می برد، سپس از قول مهدی بامداد در جلد سوم شرح حال رجال ایران، ص ۱۰۸، آورده است: «فضل علی خان در سال ۱۲۵۳ ه. ق. به جای خسرو خان گرجی حاکم اصفهان شد و پس از ورود به محل، فرخ خان غفاری (امین الدوله کاشی) نیز که برای اصلاح ما بین اهالی و خسرو خان به اصفهان آمده بود، چهار ماه دیگر برای اصلاحات امور حکومتی در اصفهان ماند...». سپس در ادامه کتاب اسناد خاندان غفاری آمده است: با توجه به اینکه فرخ خان در سال ۱۲۷۲ ه. ق. ملقب به امین الملک شده، بنابراین تاریخ نامه قطعاً قبل از سال مذکور و مربوط به سال ۱۲۵۳ ه. ق. (حکومت فضل علی خان قراباغی در اصفهان) است. اگر به فرمان و رقم های دوره قاجار از لابلاهی اسناد نظر بیفکنیم این مسئله به وضوح قابل مشاهده است (اصفهانیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲ و ۱۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵).

میرزا مسعود می نویسد: «هنوز مذاکرات صلح در جریان بود، که روسیه در این اثنا، امیر اصلاان خان حاکم خوی را با اعیان آن ولایت احضار به تبریز کرده، کسانی را که در ولایت مصدر خدمتی برای دولت علیّه می دانستند به قراول گذاشته، حکومت خان مشارالیه را مُمضی داشتند» (ریاحی، ۱۳۷۲: ۳۵۲).

این مرزبندی ها که با نارضایتی مردم مواجه شده بود، بحران های جدیدی را در دفاع از قفقاز، برای فتحعلیشاه و جانشینانش به همراه داشت. که از آن میان می توان به افول قدرت دولت قاجاریه و شکل گیری بحران مشروعیت و گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه و انگلستان و سرانجام قرار گرفتن ایران در بازی بزرگ اشاره کرد (قدیمی قیداری، ۱۳۸۹: ۹۲).

در پایان جنگهای ایران و روس، بارزترین نتیجه پایان سلطۀ دولت ایران در قفقاز، افزایش قدرت انگلیس و روسیه در داخل کشور در ربع اول قرن نوزدهم بود. نفوذ این دولت ها در دولت و دربار ایران، تا بدانجا بود که: «... هر وزیر مختاری در این کشور برای خود یک پادشاه مستقل واقعی است، و... در صدها مورد مختلف، او می تواند به افراد تحت الحمايه خود در قبال دولت ایران ...، سود یا آسیب برساند. از این رو

در این کشور وابستگی کامل خارجی‌ها به یک نمایندگی، و حل هر مشکلی با پادرمیانی اعضای آن، به خوبی مشهود است» (سرن، ۱۳۶۲: ۱۸۷).

۳-۴- مهاجرت ساکنین قفقاز به ایران پس از سلطه روسیه بر آن منطقه:

با غلبه نظامی روسها بر قفقاز، مسیحیان و مسلمانان، چه به اجبار و چه به اکراه تبعه روس شدند. ارتش نیرومند تزار، نسبت به سایر کشورهای همسایه توانایی بیشتری در تأمین امنیت مردم در آن برهه داشت «... گرجیان هم نه قادر به جلوگیری از تهاجم آنان و نه می توانستند بی طرفی خود را حفظ کنند. این است که از شدت یأس و ناامیدی راهی برای آسایش خود ندیدند جز این که خود را در دامن روسیه افکنند» (دوکوتزبوه، ۱۳۶۵: ۵۲ و ۵۳). اما چیزی نگذشت تا دریافتند که سخت اشتباه کرده اند. روسها به سرعت شروع به برانداختن حکام محلی، اعم از مسیحی و مسلمان، کردند. تمرکزگرایان روس با تمام قدرت شروع به روسی کردن مناطق تازه تصرف شده نمودند. سنت های بومی به نفع آداب و رسوم روسی که اکثر مردم هیچ سنخیتی با آنها نداشتند کنار رفت (زرینی، ۹۰: ۷۱).

از لحاظ دریافت مالیات، روسها سه برابر ایرانیان از اهالی ایروان مالیات دریافت می کردند و به همین خاطر بسیاری از اهالی راه مهاجرت به ایران را در پیش گرفتند. روسها همچنین رعایا و کشیشان اوج کلیسا را که همواره شامل معافیت های مالیاتی ایران می شدند، به حدی تحت فشار قرار دادند که بیش از هزار خانواده ارمنی ساکن آنجا گریختند «این رفتار روسها عجیب است چون به نظر می آید که آرامنه فدایی روسهایند و حکومت آنها را به ایرانیان ترجیح می دهند، حتماً تنفر روسها از آرامنه ناشی از تنفری است که نسبت به افراد خائن احساس می شود» (بن تان، ۱۳۵۴: ۵۶ و ۵۷).

روسها برای کلیساهای ارمنی هم محدودیت های فراوان ایجاد کرده و موجبات نارضایتی روز افزون آرامنه را فراهم آوردند.

رفتار روسها با توده مردم نیز همراه با خشونت فراوان برای واداشتن بیشتر آنان به اطاعت بود. تعبیری که نمایندگان رسمی و مسافران روس هنگام عبور از قفقاز در مورد مردم منطقه به کار می بردند، همچون تشبیه مردم به گاومیش، موجودات وحشی، نادان و غیره نشان از نوع نگاه آنها به قفقازیان داشت (زرینی، زمستان ۹۰: ۷۲).

ارنست اورسل که در عصر ناصرالدین شاه از قفقاز و ایران بازدید کرده است، هنگام توقف در ایروان، می نویسد:

«... قزاق ها دسته دسته، به تاخت می گذرند، بدون آنکه از له کردن دست و پای مردم و به زمین انداختن آنها، و لعنت و نفرینی که به دنبالشان سرازیر می شود، ککشان بگذرد... ارمنیان با سلام های غلیظ احترامشان می کنند و همه مردم سخت ترسیده اند. تنها ادای یک کلمه از زبان او کافی است که فردا عده دیگری بر تعداد زندانیانی که ... به کرانه های لعنتی اقیانوس منجمد شمالی اعزام می شوند، افزوده شود» (اورسل، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

همچنین در جای دیگری اورسل دربارهٔ مشاهداتش در شمکور چنین نوشته است: «... عده‌ای زندانی محکوم به اعمال شاقه را دیدیم که... دست و پا و گردن آنها را چنان با غل و زنجیر بسته بودند که اگر یکی از آنان می‌خواست تندتر از دیگران برود، خودبخود خفه می‌شد...» (اورسل، ۱۳۸۲: ۱۲۸ و ۱۲۹).

۳-۵- شکل‌گیری روحیهٔ بیگانه‌ستیزی در میان ایرانیان نواحی همجوار قفقاز:

حضور تاجران روسی و دیگر اتباع خارجی، مزایای اقتصادی چشمگیری به همراه داشت، اما ایرانیان سابقهٔ ذهنی خوبی از روسها نداشتند و به آنان خوشبین نبودند. یکی از عوامل اصلی این بدبینی و سوءظن‌ها به دیدگاه مذهبی و میهن پرستی ایرانی‌ها ارتباط داشت. برخی مسلمانان ایرانی، از برخورد با پیروان ادیانی دیگر به ویژه ارامنه دوری می‌کردند و در برخورد با آنها ملاحظاتی را رعایت می‌کردند، تا جایی که برخی با آنها بر یک سفره غذا نمی‌خوردند و یا از ظروف آنها استفاده نمی‌کردند.

به لحاظ عرق وطن خواهی نیز ایرانیان به ویژه مردمان گیلان، آذربایجان و تبریز، نگاه بدبینانه‌ای نسبت به روسها داشتند. این بدبینی تا آنجا پیش رفت که در محرم سال ۱۳۰۳ ه.ق. اکتبر ۱۸۸۵ م.، چند نفر تبعهٔ روس را در انزلی به قتل رساندند، بازار رشت دچار آتش سوزی شد، که گویا توسط ناراضیان از تسلط روسها در بازار گیلان صورت گرفته بود (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۶: ۲۱۳). در انقلاب مشروطه این بدبینی مردم گیلان نسبت به روسها بیشتر شد. «پس از آنکه روسها ارامنه را از قفقاز بیرون راندند، ارامنهٔ گیلان، صحبت نکردن به زبان روسی و خروج فرزندان خود از مدارس روسی و تدریس به زبانی غیر از روسی را خواستار شدند. همچنین اعتراض قایقرانان و قیام ماهیگیران انزلی، در سال ۱۳۲۴ ه.ق. / ۱۹۰۶ م.، و تحریم کالاهای روسی از احساسات بیگانه‌ستیزی (روسی‌ستیزی) مردم حکایت دارد» (آدمیت ۱۳۵۴: ۸۷ به نقل از: "رضوی پیرانشاهی"، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

روسیه شدیداً از اتباع خود حمایت می‌کرد، به خصوص کسانی که تبعیت روس را پذیرفته بودند، به ویژه که حکومت ایران نه می‌توانست و نه رغبتی در حمایت از اتباع خود نشان می‌داد «... حکام ایران برای مقابله با انقلابیون به روسها متوسل شدند... بزرگترین مصیبت آزادیخواهان گیلان در آن زمان این بود که روسها در آن سامان دارای قدرتی فوق العاده بودند و در تمام حقوق و شئون زندگی مردم ایران دخالت می‌کردند و دست نشانندگان و تحت‌الحمایه‌های آن‌ها بر جان و مال مردم تسلط داشتند» (تدین، ۱۳۵۳: ۲۳۵).

۴- جمع‌بندی:

همزمان با آغاز جنگهای ایران و روس، حکومت قاجار دوران اولیهٔ تثبیت قدرت خود را می‌گذراند و هنوز درگیر بحران‌ها و رقابت‌های داخلی بر سر قدرت بود که در قفقاز وارد جنگ شد. می‌توان گفت نتیجهٔ این جنگ، بارزترین نشانهٔ افول عمر دولت قاجار در قفقاز محسوب می‌شود.

با وجود سده‌های طولانی سابقهٔ زندگی مسالمت‌آمیز ارامنه و مسیحیان قفقاز در کنار مسلمانان منطقه، ارامنه با قدرت یابی روسها درصدد کسب حمایت آنها برآمده و سعی کردند توجه روسها را به خود

جلب کنند. با اینحال پیوند ها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی ساکنان قفقاز با ایران، به خصوص در نواحی چون آذربایجان و ایروان و گرجستان، با وجود جدایی بخشهای مهمی از این سرزمین ها، همچنان برقرار بود.

تسلط روسها بر منطقه نه تنها به رهایی اقلیت‌های مسیحی منجر نشد بلکه از این طریق سختگیری های شدید تری بر آنان اعمال شد که در نتیجه آن آزادی‌های سیاسی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیشین خود را نیز از دست دادند. با پایان جنگهای ایران و روس، مردمان هر دوسوی ارس، برای مهاجرت به سمت مقابل، انگیزه‌های متفاوتی داشتند. از یک طرف اقتصاد ضعیف ایران و تجارت پرسود با روسیه و اروپا، همزمان با گسترش خطوط آهن و راه های شوسه، انگیزه مهمی برای مهاجرت اهالی ایران، به روسیه محسوب می‌شد و از سوی دیگر نفوذ و فشار روسها بر ارامنه و اهالی قفقاز که اغلب از میان آزادیخواهان و روشنفکران بودند، بسیاری از آنان را به سمت ایران می‌کشاند. آشنایی مردم بخشهای شمالی ایران به خصوص گیلان و آذربایجان با تحولات اجتماعی و سیاسی روسیه و ارتباطشان با انقلابیون قفقاز، نقش بسیار مؤثری در پیدایش افکار جدید و آزادیخواهی و قانونگرایی در ایران داشت.

در زمینه اقتصادی برقراری رژیم کاپیتولاسیون برای اتباع روسی در عهدنامه ترکمانچای، سرآغازی برای مداخلات و نفوذ اقتصادی و قضایی، به صورت قانونی و رسمی برای روسیه و سایر دولت های بیگانه، فراهم آورد. اما تجار ارمنی از مزایای کاپیتولاسیون بهره مند نبوده و تابعیت روسیه را پرسودتر از تابعیت ایران نیافتند.

در زمینه مذهبی، کلیسا نیز به تدریج از روحانیت روس گرا (کلیسای ارتودکس) انباشته شد و این موضوع با خواست روحانیت ارمنی (کلیسای گریگوری) مغایر بود. از همین رو با پایان جنگهای ایران و روس، اعتراضات و جنبش های مردم قفقاز نتیجه مهم سیاسی و مذهبی و حتی اقتصادی جدایی این منطقه به حساب می آید.

الف-کتاب ها:

- آدمیت، فریدون.(۱۳۵۴). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: پیام.
- اسدوف، فریدون و سویل کریموا.(۱۳۸۰). آورندگان تزاریسیم به آذربایجان. مترجم: امیر عقیقی بخشایشی. قم: بخشایش.
- اسدوف، فریدون و سویل کریموا.(۱۳۸۵). اسناد تاریخی خاندان غفاری(سال های ۱۲۴۳ تا ۱۳۲۷ قمری)، جلد اول(کتاب شامل دو جلد میباشد). به کوشش: کریم اصفهانیان و بهرام غفاری و با همکاری علی عمران. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا.(۱۳۷۰). اکسیرالتواریخ. باهتمام: جمشید کیانفر. تهران: ویسمن، چاپ اول.
- اورسل، ارنست.(۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران. ترجمه: علی اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بن تان، آگوست.(۱۳۵۴). سفرنامه آگوست بن تان. ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه. تهران: بی نا(کتابخانه مجموعه فرهنگی، مذهبی سخت فولاد).
- _____.(۱۳۵۲). تاریخ اجتماعی و سیاسی ارامنه "آرمناکان، هونچاکیان و داشناکوتیون". مترجم: الکساندر پادماگریان و گیو آقاسی، مقدمه: فرامرز برزگر. تهران: سازمان فرهنگی پاد، چاپ اول.
- بیات، کاوه.(۱۳۸۸). توفان بر فراز قفقاز: نگاهی به مناسبات منطقه ای ایران و جمهوری های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در دوره نخست استقلال ۱۹۲۱-۱۹۱۷. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- پاسدرماجیان، هراند.(۱۳۶۶). تاریخ ارمنستان. ترجمه محمد قاضی. تهران: تاریخ ایران، چاپ اول.
- تدین، عطاءالله.(۱۳۵۳). تاریخ گیلان: عبدالفتاح فومنی و نقش گیلان در نهضت مشروطیت ایران. تهران: فروغی.
- خداوردیان، ک. س. و دیگران.(۱۳۶۰). تاریخ ارمنستان(جلد ۲)، از آغاز سده نوزدهم تا سال ۱۹۷۱. ترجمه: ا. گرمانیک. تهران: مترجم.
- خودزکو، آلکساندر.(۱۳۹۶). سرزمین گیلان. ترجمه: دکتر سیروس سهامی. تهران: پیام، چاپ اول.
- دالمانی، هانری رنه.(۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، جلد اول(کتاب اول). ترجمه: علیمحمد فره وشی(مترجم همایون). تهران: امیرکبیر.

- دنبلی (متخلص به مفتون) ، عبدالرزاق بن نجفقلی (عبدالرزاق بیگ) . (۱۳۸۳) . مآثر سلطانیه (تاریخ جنگهای اول ایران و روس) . تصحیح و تحشیه : غلامحسین زرگری نژاد . تهران : مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران (مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران) ، چاپ اول .
- دوکوتزویوئه، موریس. (بهار ۱۳۶۵). مسافرت به ایران دوران فتحعلیشاه قاجار (۱۸۱۷ میلادی). ترجمه محمود هدایت. تهران: جاویدان، چاپ اول.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۷۲). تاریخ خوی. تهران: توس. چاپ اول.
- زارع شاه مرسی، پرویز. (۱۳۸۹). قره باغ نامه از ادوار کهن تا دوره معاصر. تهران: شیرازه، چاپ اول.
- ساروی، محمد فتح الله بن محمد تقی. (۱۳۷۱). تاریخ محمدی "احسن التواریخ". به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- سپهر، محمد تقی (تخلص: لسان الملک). (۱۳۹۰). ناسخ التواریخ: تاریخ قاجاریه، جلد اول (دوره چهار جلدی): از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلیشاه. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: اساطیر، چاپ اول.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلا سرنا (آدمها و آیینها در ایران). ترجمه: علی اصغر سعیدی. تهران: زوآر، چاپ اول.
- سرنا، کارلا. (۱۳۸۷). روابط ایران و روسیه. به کوشش: سنایی، مهدی (۱۳۴۷) و جهانگیر کرمی (۱۳۴۵). تهران: ایراس. چاپ اول.
- شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). پیشینه های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد. تهران: اختران.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۰). تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجار (قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری). تهران: علمی، چاپ دوم.
- عشقی، خانک. (۱۳۵۳). سیاست نظامی روسیه در ایران (۱۸۱۵-۱۷۹۰). تهران: خوارزمی.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۶۲). سیاق معیشت در عصر قاجار، سیاق اول: حکمرانی و ملکداری (مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما)، جلد اول (اسناد سالهای ۱۳۲۷-۱۳۰۳). به کوشش: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران، چاپ اول.
- فرهاد میرزا. (۱۳۶۶). سفرنامه فرهاد میرزا. تصحیح و تحشیه: غلامرضا طباطبایی. تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- فوروکاوا، نوبیوشی. (۱۳۸۴). سفرنامه فوروکاوا. مترجم: هاشم رجب زاده و کینیچی ته اورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

-گامر، موشه؛ و دیگران (مری بریکسن براکسپ و پل هنز و عبدالرحمن آوترخانف و سنی بریان و شانتال لومرسیه). (۱۳۷۷). باروی شمال قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز. مترجم: سید غلامرضا تهامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

-میرزا ابراهیم (از مؤلف اطلاعات چندانی در دست نیست). (۱۳۵۵ ه. ش. / ۲۵۳۵ ش). سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان. به کوشش: مسعود گلزاری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

-نادر میرزا (شاهزاده نادر میرزا قاجار). (۱۳۶۰). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به کوشش: محمد مشیری (مقدمه و شرح و تعلیقات و تنظیم فهرست های لازم). تهران: اقبال، چاپ سوم.

-نفیسی، سعید. (۱۳۸۳). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر. تهران: اهورا.

.) **Armenians and Russia. a documentary record.** ۲۰۰۳-Bournoutian, George.(Mazda publisher.

.) **Imperial Polices and Perspectives towards Georgia,** ۲۰۰۰-Gvosdev, Nikolas, K.(. New York: Palgrave. ۱۸۱۹-۱۷۶۰

ب-مقالات و پایان نامه ها:

-رضوی پیرانشاهی، سید عباس علی. زمستان ۱۳۹۶. "پیامدهای اجتماعی و سیاسی نفوذ روسیه در سرزمین های شمالی ایران (میانه قرن های ۱۹ و ۲۰ میلادی)". فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق). دوره ۱۲. شماره ۲. صص ۲۲۰-۱۹۵.

-زرینی، حسین، و غلامحسین زرگری نژاد. زمستان ۱۳۸۹-بهار ۱۳۹۰. "ناهمگونی دینی؛ زمینه سازی برای جدایی قفقاز از ایران (۱۲۱۰-۱۱۳۵ ه. ق.)". تاریخ ایران. شماره ۶۷/۵. صص ۷۵-۵۷.

-ستایش، سیمین. بهمن ۱۳۹۲. "بررسی پیامدهای اجتماعی جدایی سرزمین قفقاز از ایران (۱۳۱۳-۱۲۲۸ ه. ق.)". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز: دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه تاریخ. صص ۱۸۶-۱.

-قدیمی قیداری، عباس. بهار ۱۳۸۹. "بحران جانشینی در دولت قاجار (از تأسیس تا جلوس محمد شاه قاجار)". پژوهشهای تاریخی (علمی-پژوهشی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی-دانشگاه اصفهان. دوره جدید، سال دوم. شماره ۱ (پیاپی ۵). صص ۱۰۶-۸۷.

-مزینانی، سید علی و مهدی گلجان. پاییز و زمستان ۱۳۹۴. "نقش نخبگان جامعه ارامنه ایران در سلطه یافتن روسها بر قفقاز (۱۸۲۸ م.-۱۶۶۰ م.)". دو فصلنامه: نشریه جامعه شناسی تاریخی. سال هفتم (دوره ۷)، شماره ۳، تاریخ انتشار ۹۴.۱۲.۲۰. صاحب امتیاز دانشگاه تربیت مدرس میباشد. صص ۲۳۳-۲۱۱.

-یزدانی، سهراب. خرداد و تیر ۱۳۷۱. "مسئله ارضی و دهقانی در انقلاب مشروطه ایران". نگاه

نو. شماره ۸، صفحات ۴۱-۱۶